

نخستین رهبران کلیسا



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۶؛ اعمال رسولان باب ۷ آیه ۴۸؛ عبرانیان باب ۵ آیات ۱۱ تا ۱۴؛ میکا باب ۶ آیات ۱ تا ۱۶؛ اعمال رسولان باب ۷؛ اعمال رسولان باب ۸ آیات ۴ تا ۲۵.

آیه حفظی: «و کلام خدا ترقی نمود و عدد شاگردان در اورشلیم بغایت می‌افزود و گروهی عظیم از کهنه مطیع ایمان شدند» (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۷).

بسیاری از ایمان آورندگان در پنطیکاست یهودی هلنیستی [یهودیان با فرهنگ یونانی] بودند، یعنی، از تمدن یونانی — رومی که اکنون در اورشلیم زندگی می‌کردند (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۵، ۹ تا ۱۱). آنها با وجود یهودی بودن، با یهودیان اهل یهودیه — که در اعمال رسولان باب ۶ آیه ۱، «عبرانیان» اشاره شده اند — در بسیاری جهات متفاوت بودند، که بارزترین تفاوت این بود که آنها اغلب با زبان آرامی، که در یهودیه صحبت می‌شد، آشنایی نداشتند.

چندین تفاوت دیگر فرهنگی و مذهبی وجود داشت. آنها به این دلیل که در کشورهای خارجی به دنیا آمده بودند، هیچ ریشه‌ای در سنت‌های یهودی یهودیه نداشتند یا دست کم ریشه‌های آنها به عمیقی یهودیان یهودیه نبود. آنها احتمالاً چندان به مراسم معبد و آن جنبه‌های احکام موسوی که تنها در سرزمین اسرائیل قابل اجرا بودند، وابسته نبودند. همچنین از آن جایی که بیشتر زندگی خود را در یک محیط یونانی — رومی گذرانده بودند و در ارتباط نزدیک با غیر یهودیان بودند، به طور طبیعی تمایل بیشتری برای درک شخصیت فراگیر ایمان مسیحی داشتند. در واقع، خدا از بسیاری از مؤمنان هلنیستی برای به انجام رساندن فرمان شهادت دادن به سرتاسر جهان استفاده نمود.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۶ مرداد — July آماده شوید.

انتصاب هفت نفر

اعمال رسولان باب ۶ آیه ۱ را بخوانید. شکایت ایمانداران هلنیستی چه بود؟

«علت شکایت به قولی، بی توجهی به بیوه زنان یونانی در توزیع روزانه کمک ها بود. هر نوع نابرابری با روح و نص انجیل در تضاد بود، با این وجود شیطان در ایجاد تردید موفق شد. اقدامات فوری اکنون باید برای تمام موارد نارضایتی انجام می شد تا مبدا دشمن در تلاش برای تفرقه انداختن در میان ایمانداران پیروز شود.» — الن جی.

Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 88

راه حل پیشنهاد شده توسط رسولان این بود که یهودیان هفت مرد را از میان خود انتخاب کنند تا برای diakoneō «خدمت برای میزها» یا اطعام کمک کنند (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۲)، در حالی که وقت خود را باید صرف دعا و diakonia «خدمت بشارت کلام خدا» می نمودند (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۴). از آن جایی که diakoneō و diakonia به یک گروه — واژه تعلق دارند، تنها تفاوت واقعی میان «میزها» در اعمال رسولان باب ۶ آیه ۲ و «کلام» در اعمال رسولان باب ۶ آیه ۴ می باشد. این همراه با صفت «روزانه/یومیه» (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۱)، به نظر می رسد به دو عنصر اصلی زندگی روزانه کلیسای اولیه اشاره داشته باشد: اولی تعلیم («کلام») و دومی همنشینی در اطراف («میزها»/سفره ها)، که دومی شامل خوردن غذای دسته جمعی، شام خداوند و دعا می باشد (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۴۲ و ۴۶؛ باب ۵ آیه ۴۲).

یعنی رسولان به عنوان متولیان امین و قابل اعتماد آموزه های عیسی، بیشتر وقت خود را صرف تعلیم اصول اعتقادی به ایمانداران می کردند که توام با دعا بود در حالی که آن هفت نفر متصدی امور معاشرت و اخوت در چند کلیسای خانگی بودند. با این وجود وظایف آنها به امورخادمان و شماسان کلیسا محدود نمی شد، آنگونه که این واژه امروزه معنا می دهد. آنها در واقع نخستین رهبران جماعت کلیسا بودند.

اعمال رسولان باب ۶ آیات ۲ تا ۶ را بخوانید. آن هفت نفر چگونه انتخاب و به مأموریت گمارده شدند؟

نامزدها باید از نظر ویژه گی های اخلاقی، روحانی و عملی ممتاز می بودند: آنها باید شهرتی مورد احترام می داشتند و از روح القدس و حکمت پر می بودند. آن هفت نفر با

تأیید جامعه انتخاب شدند و سپس از طریق دعا و دست گذاری شدن، به خدمت منصوب می شدند. این آداب و تشریفات حاکی از به رسمیت شناختن در میان عموم و تفویض اختیار برای ایفای وظیفه به عنوان خادمین می باشد.

ایجاد تفرقه در میان صفوف کلیسا آسان می باشد، اینطور نیست؟ برخی از خادمان آنچنان بر انجام وظیفه و تصدی خود تمرکز دارند که برقراری و حفظ صلح و آرامش در میان جمع را به فراموشی سپرده و فقط انجام کار محول شده به خودشان را در سرلوحه امور قرار می دهند. با کدام قدرت خدادادی می توانیم بر این مشکل فائق شویم؟

دوشنبه

۱ مرداد

مأموریت استیفان

هفت مرد پس از انتصاب، نه تنها در خدمت کلیسا بلکه همچنین در شهادت دادن مؤثر مشارکت نمودند. نتیجه این بود که انتشار انجیل ادامه یافت و بر شمار ایمانداران افزوده می شد (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۷). با شروع این رشد، البته مخالفان را نیز به کلیسای اولیه آورد. این روایت سپس بر استیفان، که مردی با ویژگی های روحانی نادر است تمرکز می کند.

اعمال رسولان باب ۶ آیات ۸ تا ۱۵ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره استیفان، ایمان و شخصیت او به ما می آموزند؟ همچنین، استیفان چه چیزی موعظه می کرد که موجب برانگیخته شدن خشم مخالفانش شد؟

استیفان به عنوان یک یهودی هلنیستی، انجیل را در کنیسه هلنیستی اورشلیم به اشتراک می گذاشت. چندین نوع از این کنیسه ها در شهر وجود داشت؛ اعمال رسولان باب ۶ آیه ۹ احتمالاً به دو تا از آنها اشاره دارد، یکی متعلق به مهاجرین جنوبی (یهودیان اهل قیروان و اسکندریه) و دیگری متعلق به مهاجرین شمالی (افراد اهل قلیقیه و آسیا). عیسی بدون شک موضوع اصلی بحث ها بود، اما اتهامات مطرح شده علیه استیفان نشان دهنده درک او از بخشی از انجیل و دلالت های آن می باشد که شاید از ایمانداران یهودیه پیشی گرفته بود. استیفان به کفر گفتن علیه موسی و خدا متهم شد؛ یعنی، علیه شریعت و معبد. حتی اگر از برخی نقطه نظرات سخنان او درست فهمیده نشده بود — یا سخنانش عمدهً تحریف شده بودند — و شاهدان کذاب تحریک شده بودند تا بر علیه او صحبت کنند، اتهامات ممکن است کاملاً کذب نبوده باشد همانگونه که عیسی متهم

شده بود (مرقس باب ۱۴ آیه ۵۸، یوحنا باب ۲ آیه ۱۹). محکومیت صریح استیفان در برابر شورای عالی یهود سنهدرین بخاطر اینکه معبد را ساخته دست بشر خوانده بود [که یهودیان سخن او را اینگونه تعبیر کرده بودند که معبد را بتکده تلقی کرده است] (اعمال رسولان باب ۷ آیه ۴۸)، نمایان می‌سازد که او از مرگ عیسی و اینکه دست کم در رابطه با معبد و آداب و تشریفات آن که به چه چیزی اشاره می‌نمود، درک عمیق تری داشت. به عبارت دیگر، در حالی که احتمالاً بسیاری از ایمانداران یهودی اهل یهودیه همچنان تا حد زیادی به معبد و سایر اعمال تشریفاتی علاقمند بودند (اعمال رسولان باب ۳ آیه ۱؛ باب ۱۵ آیات ۱ و ۵؛ باب ۲۱ آیات ۱۷ تا ۲۴) و رها کردن آنها برایشان دشوار بود (غلاطیان باب ۵ آیات ۲ تا ۴؛ عبرانیان باب ۵ آیات ۱۱ تا ۱۴)، استیفان و شاید دیگر ایمانداران هلنیستی نیز به سرعت درک نمودند که مرگ عیسی نمایانگر پایان تمامی آئین و مراسم معبد بود. [زیرا که عیسی با مصلوب شدن، کار قربانی برای فدیة را به اتمام رسانده بود].

چرا ما باید مراقب باشیم که گرفتار برخی از مفاهیم عامه پسند نشویم که از دریافت نور جدید باز بمانیم؟

۲ مرداد

سه شنبه

در برابر شورای عالی یهود سنهدرین

اعمال رسولان باب ۷ آیات ۱ تا ۵۳ را بخوانید. استیفان به اتهام زندگان خود چه می‌گفت؟

اتهامات مطرح شده علیه استیفان منجر به دستگیری وی و محاکمه شدنش توسط سنهدرین شد. بر طبق سنت یهودی، شریعت و خدمات معبد دو تا از سه ارکانی بودند که کلام بر آنها استوار است — آخرین آنها کردار نیک است. اشاره محض به اینکه مراسم وابسته به موسی منسوخ شده بودند، واقعاً توهینی به آنچه که در یهودیت مقدس شمرده می‌شد، بود؛ از این رو، یعنی توهین به مقدسات (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۱۱). پاسخ استیفان، طولانی‌ترین سخنرانی در اعمال رسولان می‌باشد، که خود نشانه‌ای از اهمیت آن است. اگر چه در نگاه اول چیزی بیش از یک قرائت خسته کننده از تاریخ اسرائیل به نظر نمی‌رسد، باید این سخنرانی را در رابطه با پیمان عهد قدیم و شیوه‌ای که انبیاء در زمانی که برای بازگرداندن اسرائیل به الزامات آن به عنوان اصلاح‌کنندگان دینی برخوردارند، درک کنیم. هنگامی که این اتفاق افتاد، آنها گاهی از واژه عبری *rib* استفاده می‌کردند که بهترین ترجمه‌اش احتمالاً «دَعْوِی عهد»، می‌باشد، یعنی بیان این ایده که خدا بر علیه قومش بدلیل قصور ایشان در نگه داشتن عهد، اقدامات قانونی انجام می‌دهد.

برای مثال در میکاه باب ۶ آیات ۱ و ۲، واژه *rîb* سه مرتبه دیده می شود. سپس میکاه با پیروی از الگوی عهد سینا (خروج باب های ۲۰ تا ۲۳)، به مردم، اعمال قدرتمندانه خدا را به جای ایشان یادآوری می کند (میکاه باب ۶ آیات ۳ تا ۵)، مقررات و تخلف از عهد (میکاه باب ۶ آیات ۶ تا ۱۲) و در نهایت لعنت ها برای نقض عهد ها (میکاه باب ۶ آیات ۱۳ تا ۱۶). این احتمالاً پیش زمینه نُطق استیفان است. هنگامی که از او خواسته شد اعمال خود را تشریح کند، او هیچ تلاشی برای انکار اتهامات یا دفاع از ایمان خود نکرد. در عوض، صدایش را مانند انبیاء باستان در زمان آوردن *rîb* خدا بر علیه اسرائیل، بلند کرد. بررسی طولانی او از رابطه پیشین خدا با اسرائیل برای نشان دادن ناسپاسی و نافرمانی آنها بود.

در واقع، با توجه به اعمال رسولان باب ۷ آیات ۵۱ تا ۵۳، استیفان دیگر متهم نیست، بلکه وکیل نبوی خداست، که ارائه دهنده دادخواهی عهد خدا علیه این رهبران می باشد. اگر پدران ایشان مجرم به قتل انبیاء بودند، آنها حتی بیشتر در این زمینه مجرم بودند. تغییر از «پدران ما» (اعمال رسولان باب ۷ آیات ۱۱، ۱۹، ۳۸، ۴۴ و ۴۵) به «پدران شما» (اعمال رسولان باب ۷ آیه ۵۱) قابل توجه است: استیفان همبستگی خود را با قومش شکست و موضعی مشخص در دفاع از عیسی گرفت. بهای آن سنگین می بود؛ اما با این حال، این سخنان هیچ ترس یا پشیمانی در بر ندارند.

آخرین باری که نیاز بود شما موضعی قاطع برای عیسی داشته باشید، چه زمانی بود؟ آیا موفق شدید یا شکست خوردید؟ در صورت شکست، چه چیزی باید تغییر کند؟

۳ مرداد

چهارشنبه

عیسی در دادگاه آسمانی

از آنجایی که با توجه به معنی، نبی (به عبری، *nābî*) به کسی اطلاق می شود که از طرف خدا سخن می گوید، استیفان همان لحظه ای که *rîb* دَعَوِی خدا را بر علیه اسرائیل آورد، نبی شد. رسالت نبوی او با این وجود کوتاه بود.

اعمال رسولان باب ۷ آیات ۵۵ و ۵۶ را بخوانید. مفهوم رؤیای استیفان چه بود؟

«هنگامی که استیفان به این مرحله رسید، جنجالی در میان مردم به پا بود. زمانی که او مسیح را با نبوت ها مرتبط نمود و بگونه ای صحبت کرد که گویا از معبد سخن می گوید، کاهن تظاهر به وحشت زده شدن نمود و جامه خود را درید. این عمل در نظر

استیفان نشانه ای بود که صدایش بزودی برای همیشه خاموش خواهد شد. او مقاومت در برابر سخنانش را دید و می دانست که آخرین شهادت خود را بیان می کند. با این وجود در میان خطبه خود، ناگهان آنرا ختم نمود.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 100

در حالی که استیفان در برابر رهبران یهودی ایستاد و دعوی خدا را بر علیه آنها اعلام نمود، عیسی در دادگاه آسمانی ایستاده بود — یعنی در معبد آسمانی، در کنار پدر، نشان دهنده اینکه داوری بر روی زمین در واقع جلوه ای از داوری واقعی بود که در آسمان صورت خواهد پذیرفت. خدا معلمان دروغین و رهبران اسرائیل را داوری خواهد نمود. این توضیح می دهد که چرا فراخوانده شدن به توبه، که عملی متداول در سخنرانی های قبلی در اعمال رسولان است (باب ۲ آیه ۳۸، باب ۳ آیه ۱۹، باب ۵ آیه ۳۱) در اینجا دیده نمی شود. حکومت دینی اسرائیل در حال پایان یافتن بود، به این معنی که نجات جهان دیگر از طریق وساطت قوم اسرائیل آنگونه که به ابراهیم وعده داده شد، انجام نخواهد شد (پیدایش باب ۱۲ آیه ۳، باب ۱۸ آیه ۱۸، باب ۲۲ آیه ۱۸)، بلکه از طریق پیروان عیسی، یهودی و غیر یهودی که اکنون انتظار می رفت اورشلیم را ترک کنند و به جهانیان شهادت دهند، انجام می شد (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸).

اعمال رسولان باب ۷ آیه ۵۷ تا باب ۸ آیات ۱ و ۲ را بخوانید. لوقا چگونه مرگ استیفان را بازگو می کند؟

مجازات توهین به مقدسات سنگسار بود (لاویان باب ۲۴ آیه ۱۴)، اگر چه مشخص نیست که آیا استیفان به اعدام محکوم شده بود یا جفا دیدن اوتوسط گروهی از افراد متعصب بود. در هر حال، او نخستین ایماندار به عیسی است که برای ایمانش کشته شد. اینکه شاهدان جامه های خود را بر پای شائول گذاشتند نشان می دهد که او رهبر مخالفین استیفان بود؛ با این حال، هنگامی که استیفان برای جلادان خود دعا کرد، برای شائول نیز دعا نمود. تنها فردی با شخصیت برتر و ایمانی تزلزل ناپذیر می توانست چنین کاری انجام دهد، جلوه قدرتمندی از ایمانش و واقعیت مسیح در زندگی اش.

۵ مرداد

پنجشنبه

انتشار انجیل

غلبه بر استیفان، موجب شعله ور شدن جفای گسترده ای بر علیه ایمانداران در اورشلیم شد. که بدون شک توسط گروهی از مخالفان برانگیخته شد. رهبر گروه، شائول

بود که خسارت کمی به کلیسا وارد نیاورد (اعمال رسولان باب ۸ آیه ۳، باب ۲۶ آیه ۱۰).
با این وجود جفا به خیریت مبدل شد.

در واقع، ایمانداران که در سرتاسر یهودیه و سامره پراکنده شده بودند، به موعظه انجیل پرداختند. فرمان برای شهادت انجیل در آن مناطق (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸) از این رو تحقق یافت.

اعمال رسولان باب ۸ آیات ۴ تا ۲۵ را بخوانید. چه درس هایی در این حکایت نمایان شده اند؟

سامریان دو رگه یا نیمه اسرائیلی بودند، حتی از نقطه نظر دینی، نیمه محسوب می شدند. آنها انسان هایی موحد بودند که پنج کتاب اول موسی را پذیرفتند (تورات)، عمل ختنه را انجام می دادند و در انتظار مسیح موعود بودند. با این حال، دین سامری برای یهودیان فاسد بود، که بدین معناست که سامریان هیچ سهمی در رحمت های عهد اسرائیل نداشتند.

ایمان آوردن غیر منتظره سامریان، کلیسای اورشلیم را شگفت زده کرد، از این رو رسولان، پطرس و یوحنا را برای ارزیابی موقعیت فرستادند. خودداری خدا از فرستادن روح القدس تا آمدن پطرس و یوحنا (اعمال رسولان باب ۸ آیات ۱۴ تا ۱۷) احتمالاً به منظور متقاعد ساختن رسولان بود که سامریان باید به عنوان اعضای کامل جامعه ایمانی پذیرفته می شدند (اعمال رسولان باب ۱۱ آیات ۱ تا ۱۸ را ببینید).

با این وجود، این در اینجا متوقف نشد. در اعمال رسولان باب ۸ آیات ۲۶ تا ۳۹، ما روایت فیلیپس و فرد حبشی، یک خواجه که پس از مطالعه کتاب مقدس، درخواست غسل تعمید را نمود را داریم. «فیلیپس با خواجه داخل آب رفتند و فیلیپس او را تعمید داد» (اعمال رسولان باب ۸ آیه ۳۸).

نخست سامریان و سپس یک فرد حبشیکه خارجی بود و برای عبادت به اورشلیم آمده بود و اکنون در راه بازگشت به خانه بود. انجیل در حال عبور از مرزهای اسرائیل و رسیدن به جهان بود، درست همانطور که پیشگویی شده بود. اگر چه همه این ها تنها آغاز بود، زیرا این ایمانداران اولیه یهودی بزودی به تمام جهان شناخته شده مسافرت می کردند و خبر بزرگ مرگ عیسی را موعظه می کردند، که جریمه گناهان ایشان را پرداخت و به همه در همه جا امید نجات را ارائه می دهد.

پطرس به شمعون گفت که «زندگی تو تلخ و زهر آگین است و در زنجیرهای شرارت گرفتاری» (اعمال رسولان باب ۸ آیه ۲۳). راه حل مشکل او و هر کسی که ممکن است در وضعیتی مشابه باشد، چه بود؟

مطالعه بیشتر: «جفائی که در اورشلیم بر کلیسا واقع شد، انگیزه ای بزرگ به کار انجیل داد. ماموریت کلام در آن مکان با موفقیت روبرو شده بود و این خطر وجود داشت که حواریون برای مدتی طولانی در آنجا بمانند و فرمان نجات دهنده مبنی بر رفتن به سرتاسر جهان را فراموش کنند. آن‌ها که فراموش کرده بودند قدرت ایستادگی در برابر بدی، به بهترین شکل از طریق خدمت مجدانه و با پشتکار حاصل می‌شود، شروع به فکر کردن نمودند که کاری مهم‌تر از محافظت از کلیسای اورشلیم در برابر حملات دشمن نداشتند. آن‌ها به جای آموزش دادن به ایمانداران جدید برای رساندن انجیل به کسانی که آن را نشنیده بودند، در خطر انتخاب روشی بودند که منجر به رضایت همه از آنچه تحقق یافته بود، می‌شد. خدا برای پراکنده نمودن نمایندگان در خارج، جایی که بتوانند برای دیگران خدمت کنند، اجازه داد که جفا به ایشان روا گردد. ایمانداران که از اورشلیم رانده شده بودند، برای موعظه کلام به همه جا رفتند.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 105

سوالاتی برای بحث

۱. نقل قول از الن جی. وایت در بالا درباره خطرات پیش رو کلیسای اولیه در رابطه با رضایتمندی از خودشان و آنچه که از طریق ایشان تحقق یافته بود را بدقت بخوانید. نخست، این بدین معناست که برخلاف تصورات رایج، بسیاری از یهودیان در واقع عیسی را به عنوان مسیح موعود پذیرفتند. اما حتی مهم‌تر اینکه ما مردم چه هشدار باید امروزه از آن بدست آوریم؟ چگونه می‌توانیم مطمئن باشیم که بیش از حد گرفتار محافظت از آنچه که داریم، در برابر آنچه که باید واقعاً انجام بدهیم یعنی — بشارت دادن به جهان — نشویم؟
۲. در زمان رسولان، روابط میان یهودیان و سامریان با قرن‌ها خصومت شدید مشخص شده بود. ما از این واقعیت که فلیپس که به احتمال زیاد یهودی بود، در سامره از عیسی شهادت داد، چه چیزی می‌توانیم بیاموزیم؟ ما حتی به عنوان ادونتیست‌های روز هفتم، در برابر تعصبات فرهنگی و قومی مصون نیستیم. صلیب باید چه چیزی درباره برابری همه ما در برابر خدا، به ما بیاموزد؟ همچنین، جهان شمولی مرگ مسیح باید چه چیزی درباره ارزش بی‌نهایت همه انسان‌ها، به ما بیاموزد؟
۳. فلیپس چگونه به فرد حبشی نزدیک شد (اعمال رسولان باب ۸ آیات ۲۷ تا ۳۰)؟ ما چگونه می‌توانیم نسبت به فرصت‌های به اشتراک گذاشتن انجیل با دیگران گشاده رو باشیم؟
۴. چه چیزی از اعمال رسولان باب‌های ۶ تا ۸ آموختیم که ممکن است به ما در تحقق مؤثرتر ماموریت کلیسا کمک کند؟